

## مقایسه «جنون» در فقه و حقوق ایران و افغانستان و روانپزشکی

سید محمد موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

جنون یک اختلال روانی است، به نحوی که فرد در زمان ارتکاب جرم، توان لازم برای انطباق رفتار خود با واقعیت را نداشته و فاقد اراده یا قوه تمیز باشد. متهمی که بر اثر بیماری ذهنی توان لازم برای درک ماهیت و کیفیت یا خلاف قانونی بودن عملش یا انطباق رفتارش با قانون را از دست داده باشد از نظر قانونی «مجنون» محسوب می‌شود. در فقه، حقوق و قوانین ایران و افغانستان واژه جنون به عنوان رافع مسئولیت کیفری دانسته شده است، اما معنای دقیق و تعریف مشخصی برای آن بیان نشده است. در فقه فقط به نشانه‌های جنون بسنده شده و برای معرفی جنون با لحاظ همان معانی لغوی و لفظی، از زوال عقل صحبت شده است. در اصطلاح حقوقی «جنون» فقط به توانایی شناختی شخص توجه دارد و توانایی‌های احساسی یا عاطفی او را در بر نمی‌گیرد. در علم روان‌پزشکی واژه «جنون» وجود ندارد، بلکه جنون یک مفهوم عام برای برخی بیماری‌ها یا اختلالات روانی است. آنچه در روان‌پزشکی معادل جنون حقوقی می‌توان یافت «سایکوز» است؛ یعنی بیماری‌ها یا اختلالاتی که برخی علائم از جمله هذیان و توهم را دارا باشند که زیر مجموعه اختلالات «سایکوتیک» قرار می‌گیرند. روان‌پزشکان در ارزیابی اختلالات روانی دو معیار عمده در دست دارند؛ یکی معیار طبقه‌بندی سازمان جهانی بهداشت از بیماری‌ها است که از جمله اختلالات روانی را نیز در بر می‌گیرد و تقسیم‌بندی دیگر، طبقه‌بندی انجمن روانپزشکی آمریکا از اختلالات روانی است. در این مقاله تلاش شده است که مقایسه بین جنون فقهی، حقوقی و روان‌پزشکی صورت بگیرد و هماهنگی یا دوگانگی این موضوع در علم فقه، حقوق ایران، افغانستان و روانپزشکی بررسی شود.

**کلید واژه‌ها:** جنون، مسئولیت کیفری، فقه، حقوق، روانپزشکی.

## مقدمه

اختلال روانی از روزگاران قدیم تا به امروز، بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. عوامل مختلف زیستی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و... موجب اختلالات روانی می‌شود. این اختلالات از دیدگاه‌های مختلفی قابل بررسی است. قانونگذاران همواره با درک چنین مسئله مهمی در قوانین کیفری، به وضع قواعد در این باره پرداخته‌اند. در فقه امامیه با توجه به عموم یا اطلاق ادله موجود که مشهورترین آن‌ها حدیث «رفع قلم» است و نیز با توجه با شروط و ارکان مسئولیت و همچنین عوامل رافع مسئولیت کیفری، فرد مجنون فاقد مسئولیت کیفری می‌باشد. در کد جزای افغانستان نیز مواد ۸۸ و ۸۹ به مسئله جنون پرداخته است. بر اساس این مواد، مسئولیت کیفری وقتی ایجاد می‌شود که شخص با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک مرتکب عمل مجرمانه شود.

یکی از مسائل مهم در باب جنون، مرجع صالح برای تشخیص و تعیین درجات آن است و سؤال این است که قاضی مسئول احراز جنون است یا متخصص بیماری‌های روانی؟ همچنین تعیین درجات جنون به عنوان یک امر تخصصی باید در تصمیم قاضی و اتخاذ واکنشی مناسب با این درجات، مؤثر واقع شود.

جنون مفهوم بسیار پیچیده داشته و تشخیص آن از امور مشکل است. جنون به عنوان یک مفهوم روانی، تشخیص آن نیاز به اظهار نظر متخصص دارد، از این رو قاضی نمی‌تواند در قضاوت خود فقط داوری عرف را ملاک قرار دهد، بلکه باید تشخیص آن را مانند سایر موضوعات تخصصی و فنی به کارشناس محول نماید، چون مفهوم پزشکی است و تشخیص آن از عهده غیر متخصص بر نمی‌آید. طبق ماده ۱۵۹ قانون مجازات ۹۲ اثبات جنون منوط به جلب نظر متخصص بیماری‌های روانی است. در قانون مجازات اسلامی درجه‌بندی جنون نه تنها در معنا، بلکه در لفظ نیز از میان رفته و تنها به اختلال روانی زائل‌کننده اراده و قدرت تمیز اشاره شده است.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که بار اثبات جنون در امور کیفری به عهده مدعی است یا اینکه دادستان مکلف است در مورد ادعای متهم بر جنون، دلیل ارائه نمایند؟ مطابق اصل مدعی باید ادعای خود را به اثبات برساند. قوانین کیفری ایران در این مورد ساکت است و در مقام عمل، دادستان که امر تعقیب را بر عهده دارد مکلف به اثبات سلامتی عقل و عدم جنون متهم است؛ رویه قضایی نیز بر همین مبنا شکل گرفته است.

## ۱. «جنون» در لغت

جنون، مصدر جنّ و در لغت عرب در معانی گوناگونی به کار رفته است. یکی از معانی آن تباهی و فساد عقل است. (جرجانی، ۱۴۰۷ق: ۱۱۱) در زبان فارسی، جنون به معانی پوشیدن شب، دفن کردن مرده، پوشیده و پنهان شدن، دیوانه شدن، شکوفه آوردن گیاه زمین، شیدایی و شیفتگی و در اصطلاح شاعران نزدیک به معانی عشق به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۸۸۲)

### ۱.۲. جنون در اصطلاح فقها

اسلام انسان را زمانی مکلف یا مسئول می‌شناسد که دارای عقل و اختیار باشد و چنانچه یکی این دو رکن از میان برود تکلیف برداشته می‌شود. بیشتر کتاب‌های فقهی در ابواب مختلف، حکم جنون را بیان نموده‌اند، اما تعریف دقیقی از جنون بیان نکرده‌اند و از آن به تباهی عقل تعبیر نموده‌اند.

در میان فقها، ملا احمد نراقی به مسئله جنون و احکام آن توجه خاصی نموده است و جنون را این گونه تعریف کرده است: آنچه از کتاب‌های پزشکان بر می‌آید، این است که جنون نام بیماری روانی خاصی نیست، بلکه جنون شامل انواع بیماری‌های روانی است که موجب اختلال در کار کرد عقل و فساد آن است و منظور از فساد عقل اعم است از فساد در خود قوه عاقله و یا در قوای دیگری که در خدمت قوه عاقله است مانند قوه مفکره و مخیله و غیر آن. جنون دارای انواع گوناگون و آثار متفاوت است، از این رو گفته شده است که جنون اشکال گوناگون دارد. همان طور که ما گفتیم جنون فساد عقل است در کتب فقها به تعریف ما تصریح شده است، در مسالک ذکر شده که جنون بنا بر اطلاق بر همه اقسام دلالت دارد، زیرا جنون دارای انواعی است که وجه مشترک بین همه آنها فساد عقل است به هر شکل که باشد. علامه در تحریر الاحکام جنون را فساد عقل دانسته است. برخی از بزرگان جنون را فساد عقل به گونه‌ای که مستقر باشد، گفته‌اند و غفلتی که سریعاً نابود شود و همین طور اغما و بیهوشی که بر فرد عارض گردد، جنون نیست. (نراقی، ۱۳۷۵: ۵۲۰)

نراقی فرق جنون و سفه را در این می‌داند که جنون فساد و تباهی عقل است، درحالی که سفه، نقصان عقل است، به گونه‌ای که سفیه عقل معاش ندارد. به نظر نراقی ملاک شناخت عنوان جنون، عرف است. (همان)

به طور کلی از کلام فقها استنباط می‌شود که فقها به کسی مجنون اطلاق می‌کنند که عقلش دچار فساد و تباهی شده است و به جهت نبودن عقل، قادر به تشخیص حسن و قبح اعمال و رفتار نیست. مهم‌ترین اثر این فساد رفع و نداشتن تکلیف در قبال اعمال است. (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۲)

به نظر می‌رسد این تعبیرها مشکل تعریف جنون را بر طرف نمی‌کنند. به طور اساسی شناخت و تعریف عقل و جنون و میزان و مراتب آن، امری است که نیاز به موضوع‌شناسی دقیق دارد و باید از علوم مختلف از قبیل روانپزشکی، روانشناسی و... استفاده کرد.

### ۳.۱. جنون، عته و معتوه

در حدیث رفع، در بعضی موارد، به جای واژه مجنون، واژه «معتوه» آمده و در برخی روایات نیز این واژه دارای آثار کیفی مشابه با مجنون است. در این روایات گاه معتوه در کنار مجنون (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹: ۹۰) و گاه مستقل از آن ذکر شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام قتل عمدی که معتوه انجام داده در حکم خطای محض دانسته شده است که دیه آن بر عهده عاقله است. (همان: ۴۰۰)

اگر چه حکم معتوه و مجنون یکسان است، اما از نظر مفهوم و مصداق با هم تفاوت دارند. معتوه در لغت به «ناقص العقل» و «ذاهب العقل» تفسیر شده که این اختلال عقلی جنون محسوب نمی‌شود. در بعضی از فرهنگ‌های لغت درباره معتوه آمده است: «معتوه یعنی شخص مدهوش و غیر مجنون» (فراهیدی، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۴) و در کتاب قاموس فقهی، «عته» به معنای «نقص عقل من غیر جنون» (سعدی، ۱۴۱۹ق: ۲۴۲) آمده است. بنابراین عته و عقب ماندگی ذهنی، به این معنا است که در رشد طبیعی قوای ادراکی وقفه ایجاد شده است؛ به خلاف جنون که نوعی بیماری روانی است که ناشی از اختلال در فعالیت قوای ادراکی است.

سؤالی که ممکن است مطرح بشود اینکه آیا جنون یک مسئله شرعی است؟ جواب منفی است، بلکه برای تعریف مصداق‌های جنون باید به عرف مراجعه کرد.

فقه‌های امامیه نیز جنون را مستقل از عرف بیان و تعریف نکرده‌اند؛ بلکه تعریف و تعیین مصداق آن را به عرف و کارشناسان اهل فن واگذار نموده‌اند. تعریف‌هایی که فقها در کتاب‌های خود از جنون ارائه داده‌اند نیز برگرفته از کتاب‌های پزشکی زمان خود بوده است. اگر چه در آثار و تحقیقات فقها و دانشمندان اسلامی درباره جنون و بیماری‌های روانی تحقیق لازم و کافی انجام نشده، اما نمی‌توان گفت که فقهای اسلامی از این امر مهم و حساس غفلت نموده‌اند، زیرا علوم‌ی مانند روانشناسی، روانپزشکی و... دانش جدیدی است که طول عمر آن‌ها و پژوهش درباره آن‌ها از حدود ۱۵۰ سال به این طرف می‌باشد.

## ۲. اقسام جنون در فقه امامیه

أ) جنون دائمی: آن را اطباقی هم می‌گویند و منظور جنونی است که همیشه در شخص موجود است و فرد به صورت مستمر به آن دچار می‌باشد. (عمارتی، ۱۳۸۸: ۴۰)

ب) جنون ادواری: جنونی است که همیشگی نیست، بلکه فرد گاهی هوشیار است و گاهی مجنون و همین وضعیت تکرار می‌شود. (همان)

این تقسیم‌بندی تنها تقسیم‌بندی جنون نیست و تقسیمات دیگری نیز دارد که مجال بحث آن در این مقاله نیست.

## ۳. جنون از دیدگاه حقوقی

معمولاً قوانین موضوعه تعریفی از جنون ارائه نداده و فقط حکم آن را آن هم به طور اجمال بیان کرده‌اند. حقوقدانان نیز تعریفی قابل‌ذکری از جنون ندارند. جنون از دیدگاه حقوق را با توجه به ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) بررسی می‌کنیم. این ماده بیان می‌دارد: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد».

طبق این ماده اگر اختلال روانی در زمان ارتکاب جرم ایجاد شده و عملاً مجرم را فاقد اراده و یا قوه تمییز گرداند، رافع مسئولیت کیفری است، اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، قانونگذار بیان کرده بود که جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه‌ای که باشد، رافع مسئولیت است. درجات جنون در حقوق ایران فاقد هرگونه ملاک و معیاری برای ارزیابی است. جنون فرض و اماره قانونی نیست، لذا در هر مورد باید اثبات شود.

در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ۹۲، قانونگذار صحبت از دو مفهوم «اختلال روانی» و «مجنون» نموده و معیار را فقدان اراده یا قوه تمییز دانسته است. به بیان دیگر، از نظر قانونگذار نبود اراده یا قوه تمییز موجب تحقق «جنون» به عنوان یکی از مصادیق اختلالات روانی، خواهد بود. بنابراین باید منظور قانونگذار را در تعامل با مفهوم روانپزشکی جنون (روان‌پریشی) مقایسه کرد.

از طرف دیگر، می‌توان این احتمال را داد که مراد قانونگذار از این مفهوم، همان روان‌پریشی مورد نظر روان‌پزشکان بوده است؛ این برداشت بعید به نظر می‌رسد، زیرا کسانی که فقط حقوق خوانده‌اند به طور کلی از مطالب روانپزشکی اطلاع کافی ندارند و جز در موارد اندک آن هم در حقوق کیفری، در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، تنها دو واحد جرم‌شناسی را می‌خوانند، البته دروس روانپزشکی و روانشناسی در سه مقطع، به صورت اختیاری ارائه می‌گردند که دانشجویان حقوق را با مسائل و مشکلات و اختلالات روانی

تا حدودی آشنا می‌کنند، اما اختلالات روانی در مرحله قانونگذاری و کمیسیون‌های مربوطه به صورت تخصصی بررسی نمی‌شود. چه خوب بود که قانونگذاران در مراحل وضع قوانین درباره اختلالات روانی، از متخصصان روانپزشکی و روانشناسی دعوت می‌کردند تا قانونی که وضع می‌کنند شفاف و روشن باشد.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آنکه جنون و به طور کلی «رفتارهای انحرافی» مفاهیم نسبی و فرهنگی هستند. در بعضی از کشورهای شرقی بسیاری از مردم، اجنه و موجودات نامرئی را در سرنوشت بشر مؤثر می‌دانند، درحالی که در یک جامعه مادی غربی معمولاً شخصی را که ادعا می‌کند با ارواح و سایر موجودات غیر قابل رؤیت روابط خاصی برقرار کرده است، از لحاظ روانی بیمار می‌دانند و به درمان روانی آن می‌پردازند.

#### ۴. جنون از دیدگاه روانپزشکی

جنون در اصطلاح علم روانشناسی، حالتی است که بیمار قدرت تمیز خود را از دست می‌دهد. روانپزشکان در ماهیت دیوانگی مانند عقل، اختلاف نظر دارند و در واقع جنون و رفتارهای انحرافی، دارای مفاهیم نسبی هستند (عمارتی، ۱۳۸۸: ۳۴ و ۳۵) و از جامعه به جامعه دیگر متفاوت و دارای شدت و ضعف می‌باشد.

اطلاق عنوان مجنون به یک فرد در جوامع و ادوار مختلف متفاوت است. رفتار و کردار و گفتاری ممکن است در یک جامعه دال بر جنون باشد، درحالی که در میان افراد دیگر، یک نوع شجاعت و یا نبوغ تلقی گردد. (تاج زمان دانش، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

یکی از موضوعات مهم در روانپزشکی قانونی بحث روان‌پریشی یا جنون است و نزدیک کردن نظرات روانپزشکان با مراجع قضایی موضوعی مهم در این مبحث است. همچنین بحث جنون یکی از موضوعات مهم در روانپزشکی قانونی است که هر چند جنون یک اصطلاح حقوقی و اجتماعی محسوب می‌شود که تعریف آن به عهده حقوقدانان و قضات است، اما تشخیص آن به عهده روانپزشکان قانونی است.

لذا اهمیت مسئله، تعریف و تشخیص جنون به اندازه‌ای است که لازم است روانپزشکان قانونی در این زمینه اظهار نظر نمایند که می‌تواند در اثبات جرم یا بی‌گناهی اشخاص مؤثر باشد.

در تعریف جنون بین حقوقدانان و در تبیین مصادیق آن بین روانپزشکان اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ گاه این اختلاف نظر در تشخیص موضوع و گاه در تطبیق مصادیق ایجاد می‌شود، که همین اختلاف نظرها صدور حکم و تعیین تکلیف پرونده‌ها را دچار مشکل می‌کند، لذا باید تلاش شود تا با بهره‌گیری از نظریات حقوق دانان، قضات و روانپزشکان قانونی در خصوص تعاریف جنون و بیان مصادیق آن وحدت رویه ایجاد

شود.

آنچه در پرونده‌های جنون اهمیت دارد وضعیت فرد در زمان ارتکاب جرم است، بر اساس قانون، امکان اعدام فرد مجنون (در صورت ارتکاب جرم قتل) وجود دارد به شرط آنکه در معاینات تشخیص داده شود فرد در زمان ارتکاب جرم جنون نداشته و بعداً دچار این عارضه شده است. عکس این موضوع نیز صادق است یعنی اینکه اگر فردی در زمان ارتکاب جرم، جنون داشته، اما در زمان صدور حکم این وضعیت را نداشته باشد، مجازاتی شامل حالش نخواهد شد.

روانپزشکان برای بررسی اختلالات روانی دو معیار اصلی را در نظر دارند که هر دوی آن‌ها دارای کاربرد جهانی هستند. یکی از آن معیارها، طبقه‌بندی سازمان جهانی بهداشت از بیماری‌هاست که از جمله اختلالات روانی را نیز در بر می‌گیرد. معیار دیگر، طبقه‌بندی انجمن روانپزشکی (American Psychiatric Association) از اختلالات روانی است که آخرین ویرایش آن در سال ۲۰۱۳ ارائه شده است.

بر مبنای طبقه‌بندی انجمن روانپزشکی آمریکا، اختلالات روانی به ۲۲ دسته کلی تقسیم می‌شوند که هر دسته دارای زیر مجموعه‌های متعددی است؛ اما نابسامانی‌هایی که به اصطلاح نوعی اختلال عقلی مؤثر در مسئولیت تلقی می‌شوند، تنها شامل چند مورد می‌شوند. ملاک تشخیص چنین اختلالاتی، نشانه‌هایی است که این اختلالات از خود نشان می‌دهند و مورد توجه روان‌پزشکان قرار می‌گیرند. طبق نظر روان‌پزشکان، بعضی از این علایم عبارت‌اند از:

۱. هذیان (باور، اعتقاد و یقین غلطی است که بر استنباط نادرست شخص از واقعیت بیرونی متکی است و این باور به رغم دلایل یا شواهد طبیعی و عینی تغییر نمی‌کند و حفظ می‌شود)؛

۲. توهم (درک حسی غلط که در غیاب هرگونه محرک خارجی حسی رخ می‌دهد)؛

۳. نقص شدید در شکل یا جریان تفکر؛

۴. اختلالات شدید خلق؛

۵. نقص شدید شناختی؛

۶. رفتار غیر منطقی دائمی یا مکرر؛

۷. ناتوانی چشمگیر در مراقبت از خود.

وجود هریک از این علائم، طبق تشخیص روانپزشک به عنوان متخصص امر می‌تواند مصداقی از جنون تلقی و باعث اختلال در مسئولیت کیفری شود. این نشانه‌ها گاهی به تنهایی وجود دارند و گاهی به ضمیمه یکدیگر تشکیل‌دهنده یک نابسامانی روانی می‌گردند.

## ۴. ۱. مصداق های جنون در روانپزشکی

در روانپزشکی، اختلالات روانی مفهوم گسترده‌ای داشته و مصداق های بسیاری را شامل می‌شوند که البته به آن‌ها جنون اطلاق نمی‌شود. مواردی از اختلال های روانی را که می‌تواند عنوان جنون بر آن ها صادق باشد، در ذیل بیان می‌کنیم:

### أ) سایکوز

سایکوز یا روان پریشی به معنای وضعیت روانی غیر طبیعی است و اصطلاحی است که در روانپزشکی برای حالت روانی به کار می‌رود که اغلب به صورت از دست دادن تماس با واقعیت توصیف می‌شود که به صورت هذیان‌ها، توهمات، گیجی و اختلالات حافظه تظاهر می‌کند. در روانپزشکی سایکوز یا روان‌پریشی معادل جنون تلقی می‌شود.

### ب) اختلال هذیانی

ویژگی عمده این اختلال روانی، وجود هذیان‌های پایدار است؛ این هذیان ها شامل وضعیت‌های هستند که در عالم واقع ممکن است حقیقتاً رخ دهند، مانند حس خیانت به همسر. فرد مبتلا شده به اختلال هذیانی می‌تواند از مصداق‌های جنون قرار گیرد. (خدایاری فرد، ۱۳۸۲: ۷۷ به بعد)

به بیان دیگر کسی که یک دوره روان‌پریشی را تجربه می‌کند ممکن است دچار عقاید غلط و نابه‌جایی که هذیان نامیده می‌شود گردد.

در این حالت شخص چنان به عقاید خود مطمئن است که بحث‌های منطقی نمی‌تواند تغییری در آن‌ها ایجاد کنند. به عنوان مثال، ممکن است شخصی وقتی که جایی مهمان می‌شود به میزبان خود بگوید من تحت نظرم، نیروی‌های اطلاعاتی به شما زنگ زدند که توی غذای من سم بریزید و من را مسموم کنید! این قضیه چند سال پیش برای من اتفاق افتاده بود که یکی از دوستان مهمان ما بود و جملات فوق را به ما گفت و هرچه توضیح دادم که این جواری شما فکر می‌کنید نیست و اصرار کردم که غذای ما سالم است اما او غذا را نخورد!

### ج) اسکیزوفرنی حاد

اسکیزوفرنی حاد، از گیج‌کننده‌ترین و ناتوان‌کننده‌ترین اختلال‌های روانی است. این اختلال وضعیتی است که بهترین تطابق را با مفاهیم عمومی دیوانگی و جنون دارد.



اسکیزوفرنی شامل گروهی از اختلال‌های روانی است که به طور معمول دارای جنبه روان‌پریشی بوده و اغلب ترس، بد فهمی و... را در فرد مبتلا شده بر می‌انگیزند. ذهن بیمار را از ادراک‌های تحریف شده، اندیشه‌های غلط و مفاهیم غیر منطقی پر می‌کنند. اسکیزوفرنی اختلالی است که همه ابعاد زندگی فردی مبتلا شده را در بر می‌گیرد. این اختلال در اثنای دوره‌های حاد، از طریق هذیان، توهم، افکار غیر منطقی، سخنان بی‌ربط و رفتارهای عجیب و غریب مشخص می‌شود. (سحر خوانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۰۵-۲۹۳)

در مقایسه جنون در روانپزشکی با حقوق می‌توان گفت مفهوم جنون از نظر حقوقی و روانپزشکی همیشه یکسان نیست و اینکه از نسبت‌های چهارگانه منطقی بین این دو کدام نسبت برقرار است، اختلاف نظر است؛ بعضی قائل هستند که بین این دو رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است، به این صورت که مفهوم حقوقی عام است و مفهوم روانپزشکی خاص، لذا همه مصادق جنون در روانپزشکی در مفهوم حقوقی جنون می‌گنجد اما عکس این مسئله صادق نیست. در اینجا در حمل محمول بر موضوع یا به عبارت دیگر در اسناد، با یک قضیه موجبه کلیه، یک قضیه موجبه جزئیه و یک قضیه سالبه جزئیه به شرح ذیل مواجه خواهیم بود:

- هر جنونی در مفهوم روانپزشکی آن جنون در مفهوم حقوقی نیز هست. (موجبه کلیه)  
 - برخی از اقسام جنون در معنای حقوقی، جنون در مفهوم روانپزشکی نیز هست. (موجبه جزئیه)

- برخی از اقسام جنون در معنای حقوقی، جنون در مفهوم روانپزشکی نیست. (سالبه جزئیه)

نتیجه این گزاره‌ها این است که جنون در مفهوم حقوقی، گسترده‌تر از جنون در مفهوم روانپزشکی است؛ آیا در واقع چنین است؟

چون اصل مطلب خود مفهوم پزشکی است، بنابراین اگر هم بنا باشد یکی از این دو رشته در این حیطة برای دیگری قلمرو بکشد، بر عهده روانپزشکی خواهد بود که چنین کند، زیرا مبدأ این مفهوم روانپزشکی است و حقوق مقصد آن. اما مشکل اینجاست که به کارگیری واژگان در قانون‌نویسی، سیاق مناسبی به خود نگرفته و گرنه شاید این نسبت به گونه دیگری می‌شد و ابهامات ناشی از تعیین مصادق تا حد زیادی بر طرف می‌گردید.

بعضی دیگر قائل هستند که بین این دو مفهوم، رابطه عموم و خصوص من وجه است؛ به این معنا که برخی از مصادق جنون در عالم حقوق با برخی از مصادق آن در روانپزشکی نقطه اشتراک دارند، اما در عین حال برخی مصادیق جنون حقوقی از دایره روانپزشکی خارج‌اند و نیز برخی از مصادق جنون در مفهوم روانپزشکی آن در دایره حقوقی قرار نمی‌گیرند. پذیرش چنین رابطه‌ای دشوار و بعید است، زیرا هر چند قانونگذار در موقع

وضع قانون نظری به تقسیم‌های علمی نداشته، اما نمی‌تواند آنچه را در روانپزشکی جنون محسوب می‌شود از دایره خود خارج کند. هرچند شاید بتواند از لحاظ حقوقی برای مانعیت در ایجاد مسئولیت، این دایره را اعتباراً گسترش دهد، مثلاً اختلال شخصیت (مهم‌ترین ویژگی این اختلال شخصیتی، سوء ظن و بی‌اعتمادی به دیگران است) (فدایی، ۱۳۸۰: ۳۲-۳۸) و پارانوئید (که ویژگی این اختلال، الگوهای مخرب فکری، رفتاری و کرداری است) را هم به عوامل مانع مسئولیت کیفری بیفزاید.

با توجه به اشاره ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، به جلب نظر متخصص، مفهوم حقوقی جنون نمی‌تواند کوچک‌تر از مفهوم روانپزشکی آن باشد، هرچند دست قانونگذار برای گسترش اعتباری آن باز است که باید مبتنی بر اصول خاص خودش باشد. قانونگذار در ماده ۱۵۴، قانون مجازات اسلامی که اختلالات ناشی از الکل را مخل به اختیار دانسته، آن را در جای دیگر آورده است، نه اینکه دایره جداگانه برای اختلالات مؤثر بر عقل خارج از ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی ایجاد کرده باشد، لذا رابطه «عموم و خصوص من وجه» مشکل به نظر می‌رسد.

## ۵. جنون در حقوق افغانستان

با مراجعه به کد جزای افغانستان می‌توان در یافت که جنون از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب می‌شود. کد جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶، در ماده ۸۸ موانع مسئولیت جزایی را نام می‌برد که یکی از آن موانع جنون و امراض روانی است. در ماده ۸۹ بیان می‌دارد: «شخصی که حین ارتکاب جرم به سبب جنون یا سایر امراض روانی فاقد ادراک و شعور تام باشد، مسئولیت جزایی نداشته، مجازات نمی‌گردد».

در این ماده زوال ادراک و شعور یا همان اختلالات روانی تام، مانع مسئولیت کیفری دانسته شده است.

به بیان دیگر بر اساس ماده ۸۹، جنون کامل که موجب زوال تام و کامل ادراک می‌شود از موانع مسئولیت جزایی دانسته شده که مرتکب را از مجازات معاف می‌کند. حکم موارد پایین‌تر جنون که سبب نقصان ادراک می‌شود در ماده ۹۰ کد جزا بیان شده است.

در ماده ۹۰ قانون مذکور نیز مقرر می‌دارد:

۱. شخصی که حین ارتکاب جنحه یا جنایت مبتلا به نقصان ادراک یا شعور باشد، محکمه وی را معذور شناخته، احکام متعلق به احوال مخففه مندرج این قانون را در مورد وی رعایت می‌نماید.

۲. هرگاه شخصی مندرج فقره (۱) این ماده مرتکب قباحه گردد، مجازات نمی‌گردد.

در این ماده اختلالات نسبی روانی، موجب تخفیف مجازات دانسته شده است. بر اساس ماده ۹۰ در صورتی که میزان اختلال و مرض روانی در حدی باشد که ادراک و تشخیص واقعیت توسط شخص را مختل کند، شخص دچار نقصان ادراک و شعور شده قانونگذار آن را موجب نقصان مسئولیت جزایی شناخته و مرتکب را مشمول عوامل مخففه این قانون دانسته است.

بنابراین می‌توان گفت جنون به دو شرط رافع مسئولیت کیفری است؛ همزمانی جنون با جرم و تلازم جنون با جرم. صرفاً جنونی رافع مسئولیت کیفری است که علاوه بر دو شرط مذکور، کامل باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۳۰۳)، زیرا اگر متهم، صرفاً دارای نقصان قوای دمای و عقلی باشد، موجب تخفیف مجازات او می‌گردد.

در کد جزای افغانستان، طبق ماده ۲۸، جرایم به سه دسته جنایت، جنحه و قباحه تقسیم می‌شوند. اگر شخصی حین ارتکاب قباحه، دارای نقصان عقلی یا فاقد شعور و درک باشد، مجازات نمی‌گردد. در جنایت و جنحه اگر مجنون یا فردی که فاقد قوای عقلی سالم و درک و تمیز باشد دارای مسئولیت کیفری نمی‌باشد، درحالی‌که اگر فردی دارای نقصان عقلی باشد (بند ۱، ماده ۹۰)، مشمول احوال مخففه می‌گردد. (علامه، ۱۳۹۰: ۳۰۳) بنابراین جنون به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری در نظام حقوقی افغانستان پذیرفته شده است.

خوشبختانه در کد جزای افغانستان قانونگذار میان اختلال‌های روانی تام و نسبی در مواد ۸۹ و ۹۰ تفکیک قائل شده است و تنها نوع اول را معادل جنون و موجب رفع مسئولیت کیفری دانسته است و در خصوص افراد مبتلا به اختلال روانی نسبی، به صراحت در ماده ۹۰ واکنش مناسب را نشان داده است. متأسفانه شرایط و چگونگی احراز جنون برای سهولت کار در مراجع قضایی در کد جزای افغانستان مشخص نشده است. با توجه به اینکه تشخیص جنون با مفاهیم علوم مانند روانپزشکی و روانشناسی مربوط است و مراجع قضایی معمولاً تخصصی در علوم یاد شده ندارند، متأسفانه قانونگذار چگونگی احراز جنون مرتکب و شرایط آن را در کد جزا ذکر نکرده است تا مراجع قضایی به روش آسان‌تری بتوانند این امر را احراز کنند.

## نتیجه‌گیری

۱. مفهوم حقوقی جنون در مقایسه با مفهوم روانپزشکی به معنای خاص آن، گسترده‌تر است و برای جلوگیری از ایجاد اختلاف و تشتت آرا بهتر است قانونگذار یا دقیقاً بر مبنای

طبقه‌بندی‌های معتبر علمی دنیا در این وادی حرکت کند و حتی آن‌ها را به عنوان ضمیمه به قانون بیفزاید یا منظور خود از جنون را با ذکر نشانه‌ها یا حداقل به صورت تعریف کلی در قانون مشخص نماید. چنین امری به میزان قابل توجهی راه را بر استنباط‌های مختلف پزشکی و قضایی که می‌تواند مانعی در مسیر عدالت‌گستری باشند خواهد بست.

۲. در مقایسه مفهوم جنون از نظر علمی با مفهوم آن از نظر فقهی، نتیجه می‌گیریم که جنون در فقه به معنای زوال عقل و رافع مسئولیت کیفری است و حدیث «رفع» نیز به آن اشاره دارد، زیرا ادراک و اختیار در شخص مجنون، به معنای مورد نظر شرع یا اصلاً وجود ندارد و یا اینکه کامل نیست، اما امروزه از نظر علمی و نیز عرف، برخی اختلافات روانی از مصادیق جنون محسوب می‌شود که به معنای زوال عقل نیست مانند افسردگی، بیهوشی و... که مشابه جنون است، اما از نظر فقهی جنون محسوب نمی‌شوند.

۳. از مقایسه جنون در روانپزشکی با حقوق، استنباط می‌شود که مفهوم جنون از نظر حقوقی با مفهوم آن از نظر روانپزشکی همیشه یکسان نیست و نیز مرز میان سلامت عقل و جنون چنان دقیق است که در بیشتر موارد، حتی روانپزشکان در تشخیص آن با هم اختلاف نظر دارند و گاهی دیده شده است که دادگاه شخص مجرم را از نظر کیفری مسئول دانسته است درحالی‌که از نظر روانپزشکی او روان‌پریش است. توجه روانپزشکی اصولاً متوجه رفتار انسان است، درحالی‌که از نظر حقوقی آنچه مهم است اجرای عدالت است. جنون از نظر حقوقی فقط به جنون فکری اطلاق می‌شود و توانایی‌های عاطفی و احساسی او را مد نظر قرار نمی‌دهند. درحالی‌که روانپزشکی توانایی‌های عاطفی و احساسی را علاوه بر قدرت فکری در تشخیص جنون مؤثر می‌داند.

۴. در کد جزای افغانستان جنون تام به عنوان رافع مسئولیت کیفری شناخته شده است و جنون نسبی از کیفیات مخففه برخوردار است، اما این نقص را دارد که مرجع تشخیص جنون در قانون مذکور مشخص نگردیده است.

۵. با توجه به مطالب مذکور در این مقاله، این نتیجه حاصل می‌شود که علاوه بر اینکه اصطلاحی به عنوان جنون در علم روانپزشکی غالباً شایع نیست، تعریف‌های ذکر شده برای جنون در علم حقوق را نمی‌توان برای توصیف گروه عمده‌ای از اختلافات روانی به کار برد.

به طور کلی برای معنای جنون در حقوق جزا و مسئولیت کیفری دو دیدگاه مختلف اتخاذ شده است؛ یکی دیدگاه سنتی است که توجه به خود جنون نموده است و صرف اثبات جنون به وسیله مقام‌های قضایی را برای صدور حکم نسبت به توقف تعقیب یا اجرای مجازات کافی می‌داند. در این دیدگاه به آثار و پیامدهای جنون بر ذهن و روان مرتکب توجهی نشده است. دیدگاه دیگر این است که اختلال روانی از جمله جنون در صورت موجب عدم اهلیت جزایی شخص و به تبع آن عدم مسئولیت کیفری او می‌شود

که باعث اختلال در ادراک و قوه تمیز باشد و اگر شخص دارای ادراک و قوه تمیز باشد، دارای اهلیت جزایی و مسئولیت کیفری هم خواهد بود.

## منابع و مأخذ:

- جرجانی، علی بن محمد (۱۴۰۷ق)، التعريفات، ج ۱، بیروت: عبدالرحمن عمیره.
- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت.
- خانی، سحر و دیگران (۱۳۹۶)، آشنایی با اختلالات روانی، ج ۱، یزد: کتاب آرای پیشگام.
- خدایاری فرد (۱۳۸۲)، «کارایی روش‌های شناخت در درمان اسکیزوفرنی»، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، س ۳۳، ش ۱.
- دانش، تاج زان (۱۳۸۸)، مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؟، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات کیهان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- سحر خوانی و دیگران (۱۳۹۶)، آشنایی با اختلالات روانی، ج ۱، یزد: کتاب آرای پیشگام.
- سعدی، ابوجیب (۱۴۱۹)، القاموس الفقهي، دمشق: دارالفکر.
- شرح کود جزای افغانستان
- علامه، غلام‌حیدر (۱۳۹۰)، عدالت جزایی در افغانستان، تهران: نشر عرفان.
- عمارتی، محمد کاظم (۱۳۸۸)، تأدیب و نگهداری مجانین، با مقدمه دکتر عباس شیخ الاسلامی، تهران: فکرسازان.

- غلامی، علی(۱۳۹۱)، عوامل مانع مسئولیت کیفری، ج ۱، تهران: دانشگاه امام صادق.
- فدایی، فرید(۱۳۸۰)، روانپزشکی برای همه، ج ۱، تهران: انتشارات بزرگمهر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد(بی تا)، کتاب العین، ج ۳ و ۱، قم: هجرت.
- کریمی، علی و دیگران(۱۳۹۴)، پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- موسوی خمینی، سید روح الله(بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۱ و ۲، تهران: مکتبه العامله.
- میر محمد صادقی، حسین(۱۳۹۳)، جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
- نجفی، علیرضا(۱۳۹۶)، جنون در حقوق کیفری ایران، ج ۱، تهران: مهر کلام.
- نراقی، ملا احمد(۱۳۷۵)، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.